

---

---

تبیین وضع موجود و

پیش‌بینی روندهای

آینده جهان



## ◀ مقدمه

برای ترسیم روند تحولات جهانی در سالهایی که در پیش رو است، لازم است متغیرهای کلیدی و ماندگار در راهبرد روند تحولات جهانی مورد شناسایی قرار گرفته و جایگاه و شدت تأثیرگذاری هر یک از آنها را در شکل‌گیری نظم جهانی بخصوص در عرصه مسائل اقتصاد جهانی مورد ارزیابی قرار گیرد. به‌طور کلی متغیرهای اصلی در روند تحولات جهانی را می‌توان در چند محور اساسی جستجو نمود:

- ۱- تغییرات جمعیتی در جهان
- ۲- منابع طبیعی و محیط زیست
- ۳- پیشرفت در علوم و فناوری
- ۴- جهانی شدن و اقتصاد جهانی
- ۵- حاکمیتهای ملی و بین‌المللی
- ۶- تنشهای بین‌المللی
- ۷- قدرتهای برتر جهان

## ◀ تحولات جمعیتی

بر اساس پیش‌بینی‌های جمعیتی مؤسسات بین‌المللی، جمعیت جهان از ۶/۱ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ به ۷/۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۵ افزایش خواهد یافت و در اکثر مناطق جهان مردم با طول عمر بیشتری زندگی خواهند کرد. بیش از نود و پنج درصد (۹۵٪) افزایش جمعیت جهانی در کشورهای در حال توسعه اتفاق خواهد افتاد و تقریباً تمام این افزایش جمعیت در مناطقی که شاهد رشد سریع شهرنشینی است به وقوع خواهد پیوست. طبیعی است که در جوامعی که نظام سیاسی آن از پایه‌های سستی برخوردار است، ترکیب این دو عامل جمعیت و شهرنشینی، بی‌ثباتی بیشتری را در این جوامع دامن خواهد زد. برای برخی از کشورهای در حال توسعه، روند فوق در جهت افزایش جمعیت فعال، مؤثر واقع گشته و از اندازه جمعیت جوان می‌کاهد. در مجموع پتانسیلها برای رشد اقتصادی و ثبات سیاسی در این گونه کشورها تقویت می‌شود.

#### ۴ منابع طبیعی و محیط زیست

با توجه به پیشرفتهای فنی که در تکنولوژی‌های کشاورزی در حال تحول است، این نظریه بیشتر مورد توافق عمومی است که کل تولیدات مواد غذایی برای تغذیه جمعیت در حال رشد جهان در سال ۲۰۱۵ کافی خواهد بود. زمینه بروز قحطی در کشورهایی که دولتها به سیاستهای تحدیدی در اداره امور متوسل می‌شوند و یا اینکه دارای مشکلات و مناقشات داخلی هستند و یا بر اثر حوادث مخرب طبیعی، کماکان وجود خواهد داشت.

علی‌رغم پیش‌بینی افزایش پنجاه درصدی (۵۰٪) در تقاضای جهانی برای انرژی، منابع انرژی کفاف تأمین این میزان تقاضا را خواهد داشت و بر اساس تخمینهای جدیدی که از منابع نفت و گاز جهانی شده است، هشتاد درصد (۸۰٪) ذخایر نفت جهان و نود و پنج درصد (۹۵٪) ذخایر گازی کماکان دست نخورده باقی خواهند ماند.

در ارتباط با مسئله نفت در آینده باید توجه داشت که گرچه منطقه خلیج فارس کماکان بزرگترین ذخایر نفتی جهان را دارا خواهد بود، اما بازار انرژی جهانی دو الگوی متفاوت منطقه‌ای در توزیع انرژی خواهد داشت. یک منطقه توزیع انرژی در جهت تأمین انرژی مورد نیاز مصرف کنندگان نیمکره شمالی از جمله آمریکا فعال خواهد بود که از حوزه‌های نفتی اقیانوس اطلس تغذیه خواهد کرد. منطقه دیگر در عرضه انرژی برای تأمین نیازمندیهای مصرف کنندگان آسیایی (به‌خصوص چین و هند) فعال خواهد بود که از حوزه‌های نفتی خلیج فارس انجام خواهد شد و تا اندازه کمی هم به منابع انرژی دریای خزر و آسیای مرکزی متکی خواهد بود.

تحولات اخیر در منطقه خلیج فارس نشان می‌دهد که خلیج فارس نه تنها برای مصرف کنندگان عمده انرژی در منطقه آسیا دارای اهمیت است بلکه برای آمریکا نیز حائز اهمیت است. به این ترتیب حضور آمریکا در منطقه خلیج فارس و کنترل منابع نفتی این منطقه با هدف اعمال کنترل و فشار بر کشورهای منطقه و کشورهای قدرتمند مثل چین و هند که وارد کننده نفت از این منطقه هستند خواهد بود. طبیعی است با اشغال عراق سیستم عرضه انرژی جهان بیش از پیش تحت کنترل آمریکا قرار می‌گیرد. این مسئله برای ایران دارای پیامد خوبی نخواهد بود. با کاهش اقتدار کشورهای حوزه خلیج فارس در مدیریت عرضه انرژی و در مقابل افزایش قدرت آمریکا در تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های

اوپک، کشورهای اروپایی و تولید کنندگان نفت قاره اروپا قدرت مانور کمتری در مقابل سیاستهای جهانی شدن آمریکا خواهند داشت. به عبارت دیگر آمریکا با کنترل منابع نفتی حوزه خلیج فارس اهرمی را در اختیار خواهد گرفت که از آن هم در جهت مقابله با اروپا و هم کشورهای قدرتمند آسیا استفاده خواهد کرد. لذا لازم است ایران در چنین شرایط با احتیاط عمل کند و از رویارویی با آمریکا اجتناب ورزد و در عین حال ارتباط تنگاتنگ با اتحادیه اروپا در خصوص مسائل نفتی و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز برقرار کند. در صورت ظهور منافع مشترک با آمریکا در مدیریت انرژی نفت و گاز حوزه خلیج فارس، از آن نیز استقبال کند.

در مقایسه با فراوانی نسبی منابع غذایی و انرژی در جهان تا سال ۲۰۱۵، کمبود منابع آبی و نحوه بهره‌برداری از آن چالشهای جدی را برای دولتها در منطقه خاورمیانه، صحرای افریقا، آسیای جنوبی و شمال چین به وجود خواهد آورد. لذا تنشهای منطقه‌ای در ارتباط با تسخیر منابع آبی در این مناطق از جهان شدت خواهد یافت.

#### ◀ علوم و فناوری

پیشرفت سریع در فناوری اطلاعات و ارتباطات، الزامهای جدیدی در نحوه مدیریت اقتصادی و سیاسی جامعه جهانی ایجاد کرده است. از آنجا که کشورهای پیشرفته و صنعتی جهان بخصوص آمریکا، در این نوآوریها نقش کلیدی داشته‌اند، طبیعی است در انتقال این نوع نوآوریها، که کاربردهای متفاوت در عرصه‌های مختلف دارد، با احتیاط عمل کنند و نسبت به عواقب آن حساس باشند. به هر حال وجود این نوع تکنولوژیها می‌تواند برای کشورهای در حال توسعه یک فرصت و نیز یک چالش تلقی شود.

#### ◀ جهانی شدن اقتصادها:

در ارتباط با جهانی شدن اقتصاد، یک واقعیت مسلم است که کشورهای در حال توسعه پذیرفته‌اند که برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی خود لازم است سیاستهای اقتصادی خود را منطبق با نظم اقتصاد جهانی که با آغاز دهه ۱۹۹۰ ابعاد جدید پیدا کرده است، مورد جرح و تعدیل قرار دهند. حاشیه‌ماندگی،

جدی‌ترین خطری است که در صورت عدم ایجاد اصلاحات ساختاری در اقتصاد، کشورهای در حال توسعه را مورد تهدید قرار خواهد داد.

#### ◀ تحول در نظامهای حاکمیتی

تحولاتی که در چند سال اخیر در دنیا، بخصوص در منطقه خاورمیانه، و در همسایگی ایران شاهد بوده‌ایم دلالت بر این دارد که در آینده، فشار نظم جهانی بر نظامهای حاکمیتی که رویکردهای خود را در ارتباط با مسائل خارجی و حتی داخلی منطبق با معیارهای جهانی مورد تعدیل قرار ندهند، افزوده خواهد شد. تغییر کیفی حاکمیتها و اهمیت یافتن نقش قابلیت‌های خوب حاکمیتی و ضرورت تجدید ساختار بافت سنتی حاکمیتها، تمرکززدایی، خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی و مشارکت فعال بخش خصوصی در مدیریت اقتصادی کشورها از جمله ملاحظات است که نظم جهانی بر آن تأکید خاصی دارد. اولویتهای امنیت ملی ماهیت فرا ملیتی پیدا می‌کند، و ضرورت اتخاذ سیاستهای همه‌جانبه‌نگر، اجتناب‌ناپذیر می‌گردد.

#### ◀ تنشهای آتی

علی‌رغم تسلط آمریکا در تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات در دهه‌های آتی و تفوق این کشور در تکنولوژی‌های دفاعی و نظامی، چالشهایی این کشور را تهدید خواهد کرد. به این اعتبار حوزه‌های بحران را می‌توان در زمینه‌های ذیل مورد شناسایی قرار داد:

#### تهدیدهای غیر متقارن

در این نوع تهدیدها، دولتها و گروههای غیر دولتی مخالف آمریکا از برخورد مستقیم نظامی با آمریکا احتراز می‌جویند ولی در صدد تهیه استراتژیها، تاکتیکها و تولید سلاح (با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های موجود) برخوانند آمد تا از این طریق از قدرت آمریکا در اعمال خواسته‌هایش بر گروه کشورهای هدف بکاهند و بر نقاط ضعف آن فشار وارد آورند. ممکن است برخی از کشورهای در حال توسعه احساس کنند که با قرار گرفتن در این صف، امنیت بیشتری برای خود کسب می‌کنند، اما تجربیات اخیر نشان داده

است که این نوع موضع‌گیریها، فقط این کشورها را در معرض اتهام تولید سلاحهای کشتار جمعی غیر متعارف قرار می‌دهد و بی‌ثباتی بیشتری را برای حاکمیتها ایجاد می‌کند.

### خطر تولید سلاحهای کشتار جمعی

علوم و فناوری جدید در عرصه تولیدات سلاحهای کشتار جمعی، همگام با انقلاب اطلاعات و ارتباطات، باعث شده است که بسیاری از کشورها، توان تولید این نوع سلاحها را پیدا کنند. قدرتهای برتر، این روند را تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی تلقی می‌کنند و به همین خاطر جهان، شاهد نگرانی شدید آنها نسبت به این قضایا است. رویکرد نظامی آمریکا در برخورد با این مسئله از حمایت کشورهای صنعتی غرب نیز برخوردار بوده است. از روند تحولات پیدا است که قدرت برتر در پیشبرد این رویکرد جدی است.

### تهدیدهای نظامی منطقه‌ای

بحث رقابت تسلیحاتی در بین کشورهای حوزه خلیج فارس به نحو روزافزون، ضرورتهای خود را از دست می‌دهد. تمایل ناگهانی دو کشور هند و پاکستان در حل مشکلات مرزی، مبین این است که قدرتهای برتر در برخورد با کانونهای تنش‌زای منطقه‌ای بسیار جدی هستند. اختلافات و درگیریهای داخلی ناشی از مسائل مذهبی، اخلاقی و فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، کماکان وجود خواهد داشت و حتی ممکن است بر دامنه آن افزوده شود. ناتوانی دولتها، فقدان یک عزم سیاسی و نبود منابع کافی در برخورد با این مسائل می‌تواند توجیهی برای دخالت مستقیم نهادهای بین‌المللی و یا قدرتهای برتر در امور این کشورها گردد.